

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

بازتاب توسط: لاله - هوادار سازمان انقلابی افغانستان

۰۳ سپتمبر ۲۰۱۱

تجربه

واژه تجربه و مفهوم آن در تیوری شناخت به معنای تجربه حسی به کار می رود. تجربه حسی عبارت است از شناختی که توسط احساس امکان پذیر می گردد. این شناخت ابتدائی است که در جریان روند پراتیک انسان ها حاصل شده، آنها را قادر می سازد تا بر پدیده های ظاهری اشیاء توسط حواس پنجگانه خود که در تماس مستقیم با دنیای خارجی عینی است وقوف حاصل نمایند. اگرچه این شناخت باید تعمیق شده و تا سطح عقلانی ارتقاء حاصل کند، ولی خود به تنهایی اولین قدم شناخت جهان و اولین منبع شناخت است. صدر مائو گفته است: "تمام معلومات واقعی از تجربه مستقیم سرچشمه می گیرد."^۱

ماتریالیسم قبل از مارکس، اگرچه تجربه را نتیجه عمل اشیاء عینی بر احساس آدمیان می دانست، و آن را بازتاب اشیای عینی می دید، ولی در عین حال بر این باور بود که انسان ها جزء این که تحت تاثیر عمل این اشیاء عینی قرار گیرند و به صورت انفعالی همان ها را منعکس سازند راه چاره ای ندارند.

امپریسم (اصالت تجربه) منکر آنست که تجربه دارای یک محتوای عینی است و منبع آن در جهان خارجی قرار دارد. امپریسم اظهار می دارد که تجربه حاصل از نتیجه عمل اشیای عینی صرفاً زائیده این عوامل کاملاً ذهنی می باشند و تجربه ذهنی مایه اصلی شناخت را تشکیل می دهد. بدین طریق، از دید آنها، تجربه چیزی جز دریافت های حسی درونی و حساسیت های انسان ها نبوده و خارج از آن چیز دیگری در جهان موجود نیست. امپریسم ایده آلیستی بدین ترتیب ضرورتاً به "سولیبسیسم"^۲ می باید ختم شود.

جریان های متعدد فلسفی که در خدمت بورژوازی مدرن عمل می کنند، لفظ "تجربه" را به کار برده و تفاسیر ایده آلیستی زیادی به آن نسبت داده اند، ولی همه آنها سعی کرده اند که این معانی را بالاتر از ماتریالیسم و ایده آلیسم نشان داده تا خصلت ایده آلیستی آن را مخفی نمایند. به عنوان مثال، تیوری "ماخ" چنین بیان می کند که تجربه

^۱ - مائوتسه دون: "در باره پراتیک"

^۲ - سولیبسیسم یکی از مکاتب ایده آلیستی در زمینه فلسفه است که معتقد است خارج از فکر افراد چیزی وجود نداشته و هر آنچه را نیز که انسان درک می کند، چیزی جزء روایاتی نیست که در آن فرو رفته است.

مجموعه ای از تاثیرات است. همه وجود است، تجربه یک "نظم فیزیکی" است و یک "نظم روانی" و جهان ترکیب از تجربیات است. آنها به این ترتیب خصلت عینی جهان مادی را نفی می کند. به همین خاطر است که زمانی که ما تعیین می کنیم یک فلسفه ماتریالیستی است یا ایده آلیستی، داوری ما نه در به کار بردن یا به کار نبردن لفظ "تجربه" توسط آنها می باشد، بلکه در چگونگی تفسیر این لفظ و مفاهیمی است که از آن مستفاد می کنند. لنین با شیوه ای بسیار نافذ چنین توضیح می دهد که لفظ "تجربه" یقیناً می تواند هم گرایشات ماتریالیستی و هم گرایشات ایده آلیستی را در زمینه فلسفه در زیر خود نهفته داشته باشد.³

لفظ "تجربه" گاهی مفهوم شناخت عقلانی را نیز در بر دارد: مثلاً در اصطلاح "تجربه تاریخی دیکتاتوری پرولتاریا".

بر گرفته از کتاب مبانی و مفاهیم مارکسیسم

³- لنین: "ماتریالیسم و امپیریو کریتیسیسم"